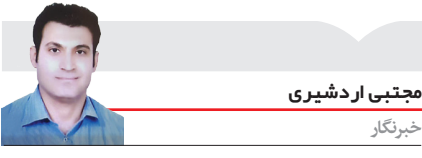


گزارش «فرهیختگان» از گلوگاه‌هایی که در حین اکران باید بسته شوند

فیلم‌سوزی؛ لویاتانی که سینمای ایران را می‌خورد



مجتبی اردشیری

خبرنگار

عمده فیلمسازان مدعی‌اند که اگر شرایط مناسبی برای اکران فیلم‌شان فراهم می‌شد اثرشان فروش بهتری داشت، فارغ از اینکه چقدر این ادعا می‌تواند برای عموم فیلم‌ها درست باشد، این گزاره را تقویت می‌کند که جریان اکران با پدیده مرسوم‌ی چون فیلم‌سوزی مواجه است و فیلمسازان هم کارهایشان را قربانی این پدیده می‌دانند. این پدیده حتی به یکی از دغدغه‌های بزرگ هر مدیر سینمایی تبدیل شده است؛ مدیرانی که برخی از آنها معتقد بودند با راه افتادن پلتفرم‌های اینترنتی و ازدیاد سالن‌های سینمایی، از حجم و بار این معضل کاسته می‌شود اما امروز که پلتفرم‌ها در یکی از بهترین شرایط فعالیت خود هستند و سالن‌های

سینمایی در مرز عدد ۸۰۰ قرار دارد، نه‌تنها از بار این معضل برای سینمای ملی کاسته نشده بلکه با پیدایش شاخه‌های متنوع، فیلم‌سوزی عملاً در دایره‌ای قرار گرفته که درصد آسیب زدن به فیلم‌های دیگر خارج از این محدوده و البته سیاست‌های سینمایی کشور است.

سینمای ایران طی سالیان اخیر، یک‌بار این فرصت را داشت که این غائله را کمرنگ کند و آن زمانی بود که سینماها با رسوخ کرونا، دوباره از صفر شروع کردند. در این راه‌اندازی مجدد، می‌شد با در پیش گرفتن سیاست‌هایی، از کوه مرتفع فیلم‌سوزی، موشی کوچک بیرون آورد اما ترافیک فیلم‌های پشت اکران که تعدادشان به ۲۰۰ فیلم می‌رسید و از سوی دیگر، وضعیت وخیم سینماها، این اجازه را نمی‌داد که به شکلی آرمانی به این مقوله ورود کرد بنابراین با عادی شدن شرایط سینما، در روی همان پاشنه همیشگی چرخید و غنیمتی از کرونا در این مبحث حاصل نشد.

امروز اما دیگر نمی‌شود به همزیستی مسالمت‌آمیز با

عدم اکران همزمان چند فیلم شاخص از یک گونه

شاخص‌ترین مظهر فیلم‌سوزی، اکران همزمان چند فیلم پرمخاطب از یک گونه است. در این فرآیند، طبیعی است که با توجه به وضعیت اقتصادی موجود، مخاطبان هر فیلم، سرشکن شده و هر یک از این آثار نتوانند در یک فرآیند طبیعی، به فروشی نرمال دست یابند. نمونه بارز این قبیل فیلم‌سوزی در اکران ۱۴۰۱، به شش‌ماه نخست آن بازمی‌گردد. جایی که فیلم‌های «علفزار»، «تی‌تی»، «البلق» و «دوزیست» در یک زمان کوتاه نسبت به یکدیگر به روی پرده رفتند و موجب سرشکن شدن فروش همدیگر شدند.

اینها فیلم‌های پرستاره و باقابلی بودند که در شرایط طبیعی، فروش ۴۰ میلیاردی آنها اصلاً دور از انتظار نبود اما آنها درنهایت توانستند گیشه خود را در مرز ۲۰ میلیارد تومان نگه‌داشته و علاوه‌بر این زیان مادی برای سینما، فصل‌های دیگر سال را از وجود فیلم‌های اجتماعی پرمخاطب، خالی‌تر کنند.

کنترل این وضعیت، کار چندان دشواری نیست. سینمای ایران ۸ سرگروه دارد که به جز مواقعی از سال نظیر اکران نوروز، تمام این سرگروه‌ها، پذیرای فیلم‌های جدید به صورت همزمان نیستند. بنابراین می‌توان با یک مهندسی هوشمندانه، جلوی اکران همزمان آثار پرمخاطب یک گونه را گرفت و به جای آن، فضا را برای نمایش نماینده‌های دیگر گونه‌های سینمایی فراهم آورد. تجربه نیز نشان داده که ماهیگیری از فضای دوقطبی به‌مراتب بهتر از فضای چندقطبی است. بنابراین، این سیاست برای سال جدید باید به شکلی جدی از سوی سازمان سینمایی، شورای صنفی نمایش و حتی دفاتر پخش مراعات شود تا اصلی‌ترین شمایل فیلم‌سوزی که ارقضا قابل کنترل است، به‌درستی به نفع سینمای ایران و فعالان آن کمرنگ شود.

یافتن سازوکاری برای بازی دادن به پلتفرم‌ها

این یک قاعده درست و استاندارد در تمام جهان است که هر فیلمی که تولید می‌شود، نباید به روی پرده برود. در آمریکا، سالانه چیزی بین ۸۰۰ تا ۸۵۰ فیلم تولید می‌شود که در بهترین حالت، ۲۵۰ تا ۳۰۰ مورد آن به پرده می‌رسد. در هندوستان به‌عنوان بزرگ‌ترین قطب تولید فیلم، سالانه حدود ۲ هزار فیلم ساخته می‌شود که در بهترین حالت، ۶۵۰ تا ۷۰۰ مورد آن در سینماها نمایش داده می‌شود.

در ایران، این قیف، برعکس است. بین ۱۰۰ تا ۱۲۰ فیلم تولید می‌شود و تمام فیلم‌ها نیز تلاش می‌کنند تا خود را در جریان اصلی اکران قرار داده و تا اکران نشوند، نسخه‌های آنها بیرون نمی‌آید.

این آفت که خود منجر به فیلم‌سوزی و ترافیک شدید اکران می‌شود، باید با جایگزین‌هایی نظیر پلتفرم‌های وی‌اودی پوشش داده شود. اتفاقی که در آمریکا، اروپا، هند و شرق آسیا به کار گرفته شده و ضمن ایجاد رونق در فعالیت‌های موازی، سبب کمرنگ‌شدن تبعات فیلم‌سوزی می‌شود. اینجا باید مدیریت پلتفرم‌ها دست‌به‌کار شده و با ایجاد سازوکاری، صاحبان آثاری که چندان برای نمایش پرده‌ای مناسب نیستند را به سمت خود جلب کرده و یک فضای تعاملاتی جدید را برای خود تعریف کنند.

چار سو

موتور تولید فیلم‌های جشنواره فجر ۱۴۰۲ روشن شد



سیدسعید سیدزاده‌تهیه‌کننده در گفت‌وگو با تسنیم از تولید فیلم «دست‌ناپیدا» به کارگردانی انسویه شاه‌حسینی خبر داد و گفت: «این پروژه درحال حاضر مراحل ابتدایی خود را طی می‌کند و به‌زودی پیش‌تولیدش را آغاز خواهد کرد. برخی لوکیشن‌های جنوب را برای فیلمبرداری دیده‌ایم. تلاش ما این است که با آغاز هرچه زودتر مراحل ساخت فیلم، بتوانیم این اثر را برای جشنواره فیلم فجر آماده کنیم. دست‌ناپیدا با الهام از کتاب‌هایی چون «حوض خون» و «چایخانه» که هر دو فضای زنانه و دفاع مقدسی دارد، ساخته می‌شود اما به‌صورت اقتباسی نیست، بلکه طرح و قصه اصلی فیلم توسط شاه‌حسینی نگارش یافته است. فضای کلی فیلم درباره تلاش و مجاهدت زنانی است که پشت خطوط جنگی و جبهه‌ها به کمک رزمنده‌های جبهه‌ها می‌شتافتند.» وی افزود: «این فیلم دارای صحنه‌های جنگی و همین‌طور درام و عاطفی است. هم فضای جبهه‌های اهواز را دارد و هم فضای درون شهر، بنابراین با یک فیلم پرهزینه روبه‌رویم که بدون حمایت و کمک مالی نمی‌توانیم آن را تولید کنیم، برای همین معاونت فرهنگی بنیاد شهید و امور ایثارگران برای ساخت این فیلم وارد عمل شده است. به نظرم بنیاد شهید با ساخت «اتاقک گلی» قدم رو به جلویی در ساخت فیلم‌های دفاع مقدس برداشته است و امیدوارم این کار نیز بتواند فیلم خوب و ارزشمندی بشود.» سیدزاده ادامه داد: «شخصیت اصلی این فیلم یک زن است. هنوز برای انتخاب بازیگر وارد عمل نشده‌ایم اما به‌زودی و با اتمام ماه مبارک رمضان مراحل بعدی نیز اجرا می‌شود. این فیلم نسبت به «شب بخیر فرمانده» شاه‌حسینی، فضای زنانه‌تری را دارد.»



ابراهیم صغری، تهیه‌کننده فیلم سینمایی «شماره ۱۰» در گفت‌وگو با ایسنا با انتقاد از صداوسیما بابت پخش فیلم‌های سینمایی اکران نشده، گفت: «در تدارک هستیم تا همزمان با عید فطر و در اردیبهشت و خرداد شماره ۱۰ را در سینماها نمایش دهیم. احتمالاً به دلیل اینکه این فیلم از تلویزیون پخش شده در این مسیر با سختی مواجه خواهیم شد اما از آنجا که شماره ۱۰ ویژگی‌های جذابی برای نمایش روی پرده سینما دارد که اصلاً در صفحه نمایش تلویزیون دیده نمی‌شود امیدواریم شرایط برای اکران فیلم در سینماها مهیا شود. به‌خصوص آنکه نمایش فیلم در تلویزیون با سانسور چند صحنه نیز همراه بود که مشخص نیست چه دلیل موجهی داشته‌اند.» وی درباره استقبال از فیلم در تلویزیون افزود: «یک فیلم سینمایی ایرانی در تلویزیون زمانی می‌تواند بیشتر شود که ابتدا تبلیغ آن در اکران سینمایی انجام شده باشد، آن وقت مخاطبانی که فیلم را در اکران از دست داده باشند، برای تماشا ترغیب می‌شوند. در واقع رویه درست این است که در فاصله اندکی پس از اکران روی پرده سینماها، فیلم از تلویزیون پخش شود. آمار مربوط به مخاطبان فیلم را سازمان صداوسیما باید ارائه کند که البته برای همین دو نوبت پخش در ۱۲ و ۱۳ فروردین روزهای خوبی را انتخاب نکردند؛ بااین‌حال امیدوارم بتوانیم فیلم را روی پرده سینما با همراهی سینماداران نمایش دهیم و آن دسته از مخاطبانی که فیلم را در تلویزیون دیده‌اند نیز برای تماشا به سالن‌های سینما بیایند تا فیلم بدون سانسور و با کیفیتی بالایی را ببینند؛ کیفیتی که حتماً با آنچه از تلویزیون پخش شده تفاوت دارد.»

«شماره ۱۰» را بدون سانسور در سینما اکران می‌کنیم

درآمد نویسندگی ماهانه یک‌میلیون و ۳۰۰ هزار تومان



خبرگزاری فارس مدعی شد در فضای فرهنگ و هنر کشورمان هیچ صنعتی مشابه صنعت نشر حجم اقتصادی بسیار بالایی را تجربه نکرده است. این خبرگزاری در این باره نوشته است: «مجموع قیمت‌های پشت جلد کتب سال ۱۴۰۱ بنا به آمار خانه کتاب و ادبیات ایران حدود ۹ هزار میلیارد تومان اعلام شده و به‌طور میانگین ۱۰ درصد از قیمت پشت جلد حق التألیف نویسنده است، یعنی حدود ۹۰۰ میلیارد تومان بابت تولید محتوا در حوزه نشر پرداخت شده است. نویسندگان از حجم اقتصادی ۹ هزار میلیارد تومانی چه مقدار را به خود اختصاص می‌دهند؟ حدود ۱۰ درصد. حال می‌پرسید چرا ۱۰ درصد؟ چون درصدی که مولف از انتشار کتابش دریافت می‌کند از ۹ تا ۱۳ درصد متفاوت است و ما عددی را که بیشتر رد و بدل می‌شود، انتخاب کرده‌ایم. تعداد پدیدآوران سال ۱۴۰۱ نیز بنا به آمار خانه کتاب و ادبیات حدود ۵۴ هزار نفر بوده‌اند. اگر بخواهیم بدانیم درآمد یک نویسنده که باید خود را در تولید محتوا درگیر کند، چقدر خواهد بود به‌طور میانگین در آمد یک نویسنده در سال ۱۴۰۱ حدود ۱۶ میلیون و ۶۰۰ هزار تومان بود و با یک حساب سرانگشتی درآمد ماهیانه نیز برابر با یک‌میلیون و ۳۰۰ هزار تومان است، البته این عدد میانگین است و می‌تواند برای افراد، مختلف باشد. در صورتی است که در سال ۱۴۰۱ حداقل دستمزد چهار میلیون و ۱۷۹ هزار تومان بود با یک حساب سرانگشتی خواهیم فهمید که درآمد نویسنده از تولید اثری درطول یک‌سال از حداقل درآمد یک کارگر هم پایین‌تر است.»

نمایش فیلم‌های پرمخاطب در زمان طلایی خود

یکی دیگر از مصادیق فیلم‌سوزی، نمایش فیلم در زمان مرده است. نوروز، همواره و برای همه فیلم‌ها بازه طلایی اکران نیست. کمااینکه در همین زمان، فیلم‌هایی به روی پرده رفتند که شکست خوردند و اجازه تیلور چندان نیافتند مانند فیلم «روز صفر». در همین زمان، شاید فیلمی مانند «غریب» نیز چندان مناسب اکران نوروزی نبود. همچنان که «بچه‌های طوفان» نیز ضمن اشغال یک کرسی نوروزی، عملاً یک فیلم ازپیش‌شکست‌خورده محسوب می‌شد.

بنابراین می‌بینیم که ۲ فیلم از ۴ فیلم جدیدی که در نوروز ۱۴۰۲ نمایش داده شدند، به چه ترتیبی سوختند و فضا را برای نمایش فیلم‌های دیگر تنگ کردند. البته که برای اکران نوروزی امسال، فیلم‌های چندان‌ی داوطلب نشدند که همین، یکی از آفت‌های فربه شدن فیلم‌سوزی است. اینکه به دلایل کمی، کیفیت اکران زیر سوال برود و فیلم‌های نامناسب بنا به اجبار به روی پرده بروند، باگ مهمی است که قطعاً باید برای اکران امسال تغییر کند. یکی از دلایل توفیق «فسیل» در اکران نوروزی، درست‌بودن زمان اکران این فیلم است که منجر به رقم خوردن چنین گیشه‌ای شده است. آن‌هم فیلمی که شاید کمتر کسی تصور می‌کرد که به چنین فروشی دست یابد، بنابراین اگر یک فیلم در زمان رسمی و نرمال خود نمایش داده شود، می‌تواند به چابک‌سازی فرآیند اکران و پرورار شدن گیشه کمک شایان توجهی نماید.

مهندسی سانس‌ها

مهندسی سانس‌ها نیز نقش بسیاری در رونق فیلم‌سوزی دارد. تجربه نشان داده که صاحبان بسیاری از سینماها، برخلاف هدف‌گذاری سرگروه‌شان، به نمایش فیلم‌های پرمخاطب تمایل دارند و همین سبب می‌شود تا بهترین سالن‌ها و سانس‌ها، به فیلم‌های پرمخاطب تعلق داشته و دیگر آثار، بهره‌چندانی از آن سینما و پردیس نبرند.

در تمام این سال‌ها، صاحبان بسیاری از فیلم‌ها، بابت نمایش فیلم خود در سانس‌های مرده، اظهار نگرانی کرده و خواستار آن بودند که عدالت واقعی در مقوله اکران رعایت شود. بنابراین یکی از وظایف مهم نظارتی که باید در سال جدید، به شکلی جدی مورد آسیب‌شناسی قرار بگیرد، اجرائی نمودن بحث عدالت در اکران است که خود به‌تنهایی شاخص‌های فیلم‌سوزی را پایین آورده و به اکران طبیعی آثار کمک می‌کند. نباید توقع داشت که مبارزه با فیلم‌سوزی به‌عنوان اژدهایی که حیات طبیعی بسیاری از فیلم‌ها را به مخاطره می‌اندازد، تنها در اختیار سازمان سینمایی و شورای صنفی نمایش باشد. در این مقوله، علاوه‌بر این دو، نهادهایی چون فارابی، مسئول است. صداوسیمایی که اکنون به نمایش فیلم‌های به‌روی پرده نرفته روی آورده، مسئول است و می‌تواند کمک بزرگی در بحث تبلیغات به سینمای ایران کند. دفاتر پخش، تهیه‌کنندگان، سرمایه‌گذاران و مدیران پلتفرم‌ها نیز مسئولیت‌هایی دارند که با جمع‌این مسئولیت‌ها می‌توان سینمای ایران را روی ریل درستی از اکران به حرکت درآورد.

طبیعی است که وقتی سینما، روی ریل درستی حرکت کند، روابط ناسالم این مقوله، به کمترین میزان خود رسیده و فضا برای یک اکران نرمال فراهم می‌شود. تنها در این صورت است که فیلم‌ها در یک فضای آزادانه می‌توانند به اقتصاد آزاد رسیده و عیار واقعی آثار، بدون در نظر گرفتن ترکش‌های فیلم‌سوزی مشخص می‌شود. اهمیت مقابله با فیلم‌سوزی در شرایط فعلی، کمتر از احیای سینمای ملی، مقوله تولید و بحث‌های نظارتی آن نیست.

یک شبکه نمایش خانگی و ۲ آقا بالاسر



سیدمحمدهاشمی، معاون حقوقی وزارت فرهنگ با اشاره به اینکه در حوزه صوت و تصویر فراگیر، هم صداوسیما وظایفی دارد و هم وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی گفت: «درخصوص حدود و تفکیک وظایف هر دو دستگاه در حوزه صوت و تصویر فراگیر توافقاتی صورت گرفته است. حوزه‌هایی که مدیریت آنها اصالتاً با وزارت متبوع بوده است، در حوزه صوت و تصویر فراگیر هم این مساله با راهبری و نظارت دنبال می‌شود که از این میان می‌توان به حوزه‌هایی مانند موسیقی، بازی‌های رایانه‌ای، فیلم سینمایی، کتاب، خبرگزاری‌ها و تبلیغات اشاره کرد.» وی افزود: «یکی از موارد توافق‌مان در مجلس این بود که دو نفر از وزارت فرهنگ در شورای ساخت و دو نفر هم در شورای پخش سریال‌های نمایش خانگی معرفی شوند که این اتفاق رخ داده است، همچنین در نوشتن آیین‌نامه‌های مختلف در حوزه صوت و تصویر فراگیر و شوراهای تخصصی آن در هر دو دستگاه، نگاه هم‌افزایی و هماهنگی وجود دارد. امیدواریم با این تفکیک وظایف و توافق و همدلی ایجاد شده، نهایتاً شاهد تقویت و تعالی تولیدات و محتوای فضای مجازی و قانون‌مداری در حوزه صوت و تصویر فراگیر باشیم.» هاشمی ادامه داد: «ما در وزارت فرهنگ به این باور داریم که کسب‌وکارهای حوزه صوت و تصویر فراگیر و اقبال مردم که با توجه به ذائقه جهانی در استفاده از فضای مجازی، طبیعی و قابل‌پیش‌بینی بوده و هست و این مساله فرصتی برای فضای فرهنگی و هنری امروز جامعه ایرانی به‌شمار می‌رود. درخصوص نمایش خانگی، با نگاه فرصت‌محور باید به‌دنبال شیوه‌های جدیدی در نظارت و همراه‌سازی تولیدکنندگان باشیم.»